

شیوه‌های پیشگیری و پرهیز از جنگ در توسعه‌ی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

مهدی زروندی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۲۳

صفحات مقاله: ۲۷۵ - ۳۰۲

چکیده:

با توجه به وسعت چالش‌ها و تعارضات امنیتی در خاورمیانه و تأثیرگذاری عوامل گوناگون در سطوح فروملی، ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بی‌ثباتی و ناامنی‌های منطقه، امنیت‌سازی در چارچوب الگوی امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت، مستلزم فرآیندی تدریجی و طولانی‌مدت است. در این فرآیند، همکاری منطقه‌ای می‌تواند تنها به‌واسطه‌ی اعتمادسازی گام به گام و ایجاد اطمینان متقابل میان کشورها و هم‌چنین تلاش برای حل و فصل چالش‌هایی که محصول برخی تعارضات ساختاری چون مشکلات روند دولت - ملت‌سازی و ضعف فرهنگ و رویه‌های دموکراتیک است، تحقق یابد.

در رویکرد امنیت هژمونیک، علاوه بر این‌که منافع و اهداف قدرت فرامنطقه‌ای هژمون در اولویت قرار دارد، دولت‌ها به دوست و دشمن تقسیم می‌شوند. مشارکت دولت‌های منطقه‌ای بر مبنای منافع طبیعی و بلندمدت خود در جهت ایجاد ساختار امنیتی پایدار و مبتنی بر همکاری، با دشواری‌های جدید مواجه می‌شود. در این راستا، برخی تهدیدات و چالش‌های امنیتی مشترک که در بلندمدت برای بخش عمده‌ای از کشورهای منطقه مشکل‌آفرین خواهد بود، مورد غفلت و بی‌توجهی قرار خواهد گرفت. با توجه به رویکرد امنیتی فوق، این مقاله درصدد گسترش محیط امنیتی در فضای این رویکرد به شیوه‌ی پرهیز از جنگ می‌باشد. در این راستا، ضمن برشماری عمده‌ی مشکلات موجود در فرآیند رسیدن به آن، به ارزیابی عملکرد مسئولان این حوزه نیز پرداخته است.

* * * * *

واژگان کلیدی

محیط امنیتی، سیاست دفاعی، چالش‌های امنیتی، همکاری‌های منطقه‌ای.

^۱ - دانشجوی دکتری تهدیدات امنیت ملی.

مقدمه

هر کشور در تعامل با محیطی قرار دارد که در آن عمل می‌کند، از ویژگی‌ها و تحولات آن محیط تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. این محیط جنبه‌ها و جلوه‌های گوناگون مرتبط با یکدیگر دارد که یکی از این ابعاد، جلوه‌ی راهبردی و امنیتی است. محیط امنیتی هر کشور محدوده‌ای جغرافیایی است که فرصت‌ها و تهدیدهای آن در خود آن تعریف می‌شود و به شدت تحت تأثیر متغیرهای محیط داخلی و بین‌المللی است. جغرافی، تاریخ، فرهنگ، انباشت قدرت ملی، کیفیت و کمیت مردم، نوع رهبری و سایر عوامل قدرت در تعیین مرزها و چگونگی محیط امنیتی تأثیر مستقیم دارند. ایران در طول تاریخ هزاران ساله‌ی خود، هیچ‌گاه در محیطی آرام و بی‌خطر قرار نداشته است و هرگاه رو به ضعف رفته، از خارج مورد هجوم قرار گرفته است. تنها انباشت قدرت داخلی در این کشور توانسته است خطرها و مشکلات انبوه محیطی را کنترل کند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تحولات پس از آن، محیط امنیتی ایران را کاملاً دگرگون کرده و بر حساسیت آن بسیار افزود. حساسیت محیط امنیتی ایران روز به روز زیاد شده؛ به‌نحوی که بیش‌ترین میزان جنگ، برخورد نظامی و انباشت نیروها و تسلیحات در این محیط صورت پذیرفته است. تحولاتی که از اواخر سال ۱۳۸۹ در کشورهای عربی آغاز شد، به‌سرعت به طوفانی تبدیل شد که بسیاری از کشورهای عربی را در نوردید و شرایط جدیدی بر این کشورها حاکم ساخت. این تحولات تأثیری مستقیم و تعیین‌کننده در محیط امنیتی ایران و نحوه‌ی تعامل بازیگران با ایران برجای گذاشته است. ما در این مقاله با طرح هفت چالش اساسی و مهم در این حوزه به روش تحلیلی در پی بررسی وضعیت محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تحولات ایجاد شده در آن، با توجه به شیوه‌های پیشگیری و پرهیز از جنگ در توسعه‌ی محیط امنیتی می‌باشیم.

روش تحقیق

مقاله‌ی حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی و منابع مرتبط با موضوع به روش توصیفی - تحلیلی به ارزیابی مهم‌ترین چالش‌هایی که به‌نحوی مانع توسعه‌ی

محیط امنیتی در شرایط بدون جنگ می‌شود، می‌پردازد. برای ارزیابی مسأله‌ی تحقیق، اطلاعات گردآوری شده با روش تحلیل کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بخش عمده‌ای از اطلاعات در قالب نمودار ارائه شده است.

چارچوب نظری تحقیق

جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد فوق در هر یک از حوزه‌های محیط پیرامونی خود در پی حل و فصل چالش‌های امنیتی با همکاری و مشارکت بازیگران منطقه‌ای است. هر چند نوع و ماهیت چالش‌های امنیتی در حوزه‌های مختلف دارای تفاوت‌هایی است؛ اما با وجود این، عناصر و ویژگی‌های مشترکی در چالش‌های هر حوزه وجود دارد که با توجه به مؤلفه‌های رویکرد امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت، قابل حل و فصل به صورت تدریجی است.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ضرورت تنش‌زدایی و تحکیم صلح و ثبات منطقه‌ای از همان ابتدای فروپاشی اتحاد شوروی سعی و تلاش خود را بر حل و فصل بحران‌های منطقه بنیان نهاد. ایران در چارچوب دیدگاه امنیتی تنش‌زدایانه‌ی خود در مخالفت با هرگونه نفوذ خارجی در مناطق پیرامون، به تلاش دامنه‌داری برای تأمین صلح و ثبات منطقه‌ای مبادرت ورزیده است. بی‌شک، ویژگی‌های جغرافیای سیاسی، همگونی قومی، توانایی اقتصادی و سیاسی قدرت ایران را برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه بیش‌تر کرده است.

ایران در چارچوب دیدگاه امنیتی خود معتقد است که هرگونه تلاش برای نظامی کردن منطقه، ایجاد بلوک‌بندی‌های نظامی و زمینه‌سازی برای دخالت دیگر بازیگران، نمی‌تواند امنیت پایدار ایجاد کند. امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه برقرار شود. از نظر جمهوری اسلامی ایران، یک فرمول اصولی و اطمینان‌بخش که مبنای تفاهم مشترک و متقابل همه‌ی کشورهای منطقه باشد، می‌تواند متضمن تأمین امنیت شود و هرگونه ترتیبات امنیتی که یک یا چند کشور را کنار بگذارد نه تنها کامل نیست، بلکه کشورهای کنار گذاشته شده می‌توانند خود به صورت منبع ناامنی در منطقه ظهور کنند. از این‌رو، مدلی که جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت بحران‌های داخلی و منطقه‌ای و برقراری امنیت و ثبات در کشورهای حوزه‌ی قفقاز

جنوبی ارائه داده است، فرمول موسوم به ۳+۳ است که شامل سه کشور حوزه قفقاز (ارمنستان، آذربایجان و گرجستان) و سه قدرت همسایه (روسیه، ایران و ترکیه) می‌باشد. البته جمهوری اسلامی ایران با حضور دیگران بعد از ایجاد ترتیبات امنیتی به شرطی که مخرب نباشد و در راستای ایجاد صلح و ثبات در منطقه باشد، مخالفتی ندارد.

از سوی دیگر، از نظر ایران برقراری صلح و ثبات سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی تنها در سایه‌ی دستیابی به سطح مطلوبی از رشد و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر می‌باشد و به همین لحاظ همکاری دو جانبه با این جمهوری‌ها در رأس برنامه‌های سیاست خارجی ایران قرار دارد. علت اتخاذ این رویکرد توسط ایران در این زمینه ماهیت تهدیدات نوین می‌باشد که ایفای نقش از سوی بازیگران در زیرساخت‌ها را می‌طلبد. به دلیل ماهیت نوین تهدیدات که در نتیجه‌ی ضعف ساختارهای سیاسی و اقتصادی به‌وجود آمده، لازم است که دولت‌های همسایه بیش‌تر توجه و امکانات خود را صرف زیربنای کشورهای منطقه سازند و ضمن دوری از هرگونه رقابت، بر پایه‌ی مشارکت فعال تهدیدات موجود را حل و فصل نمایند.

(۱) مهم‌ترین مسائل مورد توجه در تحقق شیوه‌های پرهیز از جنگ در توسعه‌ی محیط امنیتی

(۱-۱) توجه به محیط امنیتی

بر اساس نگرش واقع‌گرای سیاست بین‌الملل، هر دولت دارای دو محیط امنیتی داخلی و خارجی است که تفاوتی اساسی میان این دو وجود دارد. برخلاف محیط داخلی که دارای ساختاری سلسله‌مراتبی، برخوردار از تقسیم منطقی وظایف و کارکردها و توزیع نسبتاً عادلانه و مقبول قدرت می‌باشد، در محیط بین‌الملل این‌گونه نبوده و ساختار آن بر اساس چینش افقی واحدها (غیرسلسله‌مراتبی)، تشابه وظایف و کارکرد آنها، و توزیع نامناسب قدرت میان دولت‌ها می‌باشد. بر این اساس، نوعی هرج و مرج و عدم اطمینان وجود دارد که در آن اولویت اصلی همه‌ی دولت‌ها، حفظ بقا در آن وضعیت است و به‌خاطر عدم تعادل قدرت میان آنها، قطب‌بندی قدرت ایجاد می‌شود. (کرمی، ۱۳۸۱: ۹۵)

۱-۲) در نظر گرفتن ائتلاف‌های منطقه‌ای

این ساختار چیزی نیست جز این که هر دولت در درجه‌ی نخست به قدرت خود تکیه کند و بعد برای تضمین بقای خود در قبال دول قدرتمندتر، به اتحاد و ائتلاف روی آورد. از این رو، همه‌ی دولت‌ها به‌طور طبیعی نگاه‌شان به محیط امنیتی بین‌المللی بدبینانه و نامطمئن است؛ چرا که به‌خاطر تغییر وضعیت قدرت دولت‌ها در داخل و خارج، موازنه‌ای که از اتحادهای نظامی ایجاد می‌شود، پایدار نخواهد ماند و هر آن ممکن است بر اثر به هم خوردن موازنه‌ی قدرت، امنیت آنها در معرض آسیب جدی قرار گیرد. (Viotty D.Muray, 1994)

۱-۳) توجه به قدرت‌طلبی قدرت‌ها در نظام بین‌الملل

با وجود تلاش‌هایی که برای کاهش وضعیت هرج و مرج گونه‌ی نظام بین‌المللی در قالب اندیشه‌ها، ایده‌ها و توافقات میان دول صورت گرفته و نتیجه‌ی آن در جامعه‌ی ملل، سازمان ملل متحد و چارچوب نظام امنیت جمعی جلوه‌گر شده است، اما هنوز هم مؤلفه‌های قدرت‌محور از نقش نافذتری در مقایسه با دیگر ساز و کارهای بین‌المللی برخوردار هستند و داور نهایی کمابیش قدرت باقی مانده است. هر چند که فاصله‌ی زیادی از وضعیت کاملاً هرج و مرج گونه‌ی قرون گذشته ایجاد شده، اما تا تشکیل واقعی یک «جامعه‌ی بین‌المللی» که شباهتی درخور «جامعه‌ی داخلی» داشته باشد، راه درازی در پیش است. تنها در سطح برخی مناطق هم چون اروپا و یا جنوب شرقی آسیاست که به تدریج امیدها بر بیم‌ها غلبه می‌کنند. (کرمی، ۱۳۸۱: ۹۵)

۱-۴) تأکید بر نگاه قدرت‌محوری دولت‌ها به امنیت

یکی از عواملی که بر نوع نگاه دولت‌ها به محیط بین‌المللی تأثیر زیادی دارد، گفتمان حاکم بر هر دولت است و البته همواره گفتمان‌های مختلف ممکن است، وجود داشته باشد، اما معمولاً یکی از آنها به‌عنوان گفتمان غالب، منشاء شکل‌گیری سیاست‌های امنیتی می‌شود. گفتمان‌ها خود محصول تعاملات داخلی و خارجی درگذر تاریخ هستند و بر اساس پیشینه‌ی

تاریخی امنیت ممکن است دارای نگاهی شدیداً قدرت‌محور و واقع‌گرایانه یا اشکال تعدیل‌یافته‌تری باشند. برای مثال، در رژیم اشغال‌گر قدس یک گفتمان شدیداً قدرت‌محور، حاکم است و از این‌رو، سیاست امنیتی آن کاملاً هجومی و تجاوزگرانه است. در انتهای دیگر این طیف، دولت‌هایی مانند سوئد و سوئیس قرار دارند که دارای «سیاست دفاعی غیرتحریک‌آمیز»^۱ هستند. اما معمولاً بیش‌تر دولت‌ها در میانه‌های این طیف قرار می‌گیرند؛ چرا که وجود برخی نهادهای بین‌المللی، تثبیت مرزهای بین‌المللی در بردارنده‌ی ساختاری است که بر اساس آن هم قطب‌بندی قدرت‌ها صورت می‌گیرد، هم اتحادها شکل می‌گیرند و هم تهدیدات بروز می‌کنند. البته این وضعیت برای دولت‌های مختلف ممکن است در قالب لایه‌های متفاوتی درک شود که این موضوع به‌گستره‌ی منافع ملی آن کشور (محدود یا گسترده) و گفتمان‌های حاکم بر امنیت ملی و سیاست خارجی آن بر می‌گردد. (سنجابی، ۱۳۷۵)

۵-۱) در نظر داشتن ساختار و موازنه‌ی قدرت در محیط امنیتی

محیط امنیتی محصول تعامل عوامل متعددی است که در مجموع، ساختار و موازنه‌ی قدرت را شکل می‌دهد. این محیط هم عوامل قدرت و ضعف، تهدید و فرصت یک کشور را تعیین می‌کند و هم از آن کشور به‌شدت تأثیر می‌پذیرد. در نظام بین‌الملل کنونی، محیط امنیتی کل نظام و محیط امنیتی هر کشور ویژگی‌هایی دارد که برای شناخت محیط امنیتی باید این ویژگی‌ها را شناخت. این ویژگی‌ها با تأکید بر محیط امنیتی ایران عبارتند از: (Yarger, 2006; 2008: 66-76)

۱-۵-۱) پیچیدگی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

محیط امنیتی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که این عوامل خود دارای پیچیدگی زیادی هستند و در نتیجه، محیط امنیتی بسیار پیچیده است. محیط امنیتی ایران به دلایلی متفاوت، از پیچیدگی بیش‌تری برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که حتی آمریکا با هزینه کردن میلیاردها دلار و به‌کارگیری تمام ابزار اطلاعاتی و مؤسسات پژوهشی، هنوز نتوانسته است تصویر صحیحی از این محیط به‌دست آورد.

1 - Non-Provocative Defense Policy

در نتیجه، اغلب اقدامات‌اش در این محیط به پیچیده‌تر شدن آن و نتایجی برخلاف خواست و منافع آمریکا انجامیده است. (امینان، ۱۳۹۰: ۶)

۱-۵-۲) فرار و غیرثابت محیط امنیتی

تغییر و عدم ثبات از ویژگی‌های محیط امنیتی است. وضعیت‌ها در محیط راهبردی پایا، جامد و همیشگی نیستند، آنها به راحتی تغییر شکل می‌دهند. فرصت‌ها همانند برف در برابر آفتاب بخار می‌شوند. برای مثال، مقایسه‌ی تصویر ایران در انتخابات سال ۱۳۸۸ و پس از عبور از مشکلات داخلی (فتنه‌ی ۸۸) با تصویر امروز ایران در منطقه و همچنین جایگاه آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه و مقایسه وضعیت آنها در یک دهه‌ی گذشته با وضعیت ایران در منطقه، این مسأله را روشن‌تر می‌سازد.

۱-۵-۳) غیرخطی بودن محیط امنیتی

شاید به دلیل عوامل پیشین، تحولات در محیط امنیتی همانند معادلات جبری خطی نیست که با افزایش یک مسأله یا وارد کردن یک عامل، به راحتی نتیجه‌ی مشخصی حاصل شود، معادلات مشخص و کاملاً قابل پیش‌بینی نیست. برای مثال، افزایش قدرت و نیروهای نظامی آمریکا در منطقه‌ی خاورمیانه باعث افزایش موقعیت و قدرت آمریکا نشد و مشکلات حل‌نشده‌ی برای این کشور ایجاد کرد، در حالی که جمهوری اسلامی ایران با هزینه‌ی بسیار کم‌تری موقعیت و قدرت خودش را در منطقه‌ی خاورمیانه تثبیت و گسترش داد. (امینان، ۱۳۸۸: ۱۶)

۱-۵-۴) غیر قابل پیش‌بینی بودن محیط امنیتی

دخیل بودن عوامل مختلف در محیط راهبردی، این محیط را غیرقابل پیش‌بینی می‌کند. همه‌ی سازمان‌های اطلاعاتی و مراکز تحقیقاتی کشورها به‌ویژه در آمریکا، سالانه میلیاردها دلار هزینه می‌کنند و تمام ابزارهای پیشرفته و عوامل اطلاعاتی و محققان را به کار می‌گیرند تا محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سمت و سوی آن را پیش‌بینی کنند، اما در این مسأله موفقیت چندانی نداشته‌اند. برای مثال، یک سال پیش، در منطقه‌ی خاورمیانه وضعیت منطقه و

کشورهای یمن، بحرین، مصر، لیبی و تونس برای هیچ‌یک از سازمان‌های اطلاعاتی و مراکز تحقیقاتی قابل پیش‌بینی نبود.

۱-۵-۵) اثر پروانه‌ای محیط امنیتی

این نام از یک پدیده‌ی هواشناسی گرفته شده است. در هواشناسی گاه یک عامل کوچک تأثیرات بسیار زیادی در آب و هوای مناطق دیگر برجای می‌گذارد.^۱ در نتیجه، بسیاری از پیش‌بینی‌ها اشتباه می‌شوند، چون تأثیر آن عامل نه چندان مهم را در نظر نگرفته بودند. در مسائل محیط امنیتی منطقه‌ای نیز تا حدی همین‌طور است؛ برای مثال، می‌توان خودسوزی یک جوان در تونس را مثال زد که سرآغاز تحولاتی شد که به سرنگونی بن علی، مبارک، قذافی، عبدالله صالح و تحولات گسترده‌ی دیگری انجامید. در واقع، خودسوزی یک جوان در تونس به بیداری اسلامی (بیداری اسلامی) و سرنگونی چهار رئیس کشور منجر شد.

علاوه بر ویژگی‌های پیش‌گفته، می‌توان موارد مهم دیگری را نیز نام برد که در محیط امنیتی هر کشور مؤثر هستند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به این عوامل اشاره کرد: «معطوف به آینده بودن و تأثیر متقابل و مداوم محیط داخلی و خارجی».

این ویژگی‌های پیچیده و غیرقابل مشخص در سایر علوم نیز مورد دقت قرار گرفته است؛ از جمله در رشته‌های ریاضی، فیزیک، مهندسی و هواشناسی یک نظریه به نام آشوب^۲ برای کنترل این عوامل غیرقابل پیش‌بینی به‌وجود آمده است. این نظریه در مسائل علوم اجتماعی نیز کاربرد گسترده‌ای دارد. (Kieland Elliott, 2004; Frazier, 2010: 1-23) همان‌گونه

^۱ - این اصل از این جمله‌ی معروف در هواشناسی اخذ شده است که گاه بال زدن یک پروانه در سواحل مکزیک، تأثیر زیادی در طوفانی در چین دارد. بنگرید به:

-Hilborn, Robert C. (2004), "Sea Gulls, Butterflies, and Grasshoppers: A Brief history of the Butterfly Effect in Nonlinear Dynamics", 72 (4), pp. 425 - 427.

^۲ - در مسائل سیاسی هم مثال‌های زیادی وجود دارد. داستان قتل نادرشاه افشار از مثال‌های جالب در این زمینه است. نادر اردوی بزرگ نظامی برای توسعه‌ی قدرت خود به‌راه انداخته و ایران را به‌قدرتی بزرگ و تأثیرگذار تبدیل کرده بود. یک نگاهبان بخشی از خریزه‌ای را که نادر برای خود گذاشته بود، خورد و نادر با غضب به وی فهماند که روز بعد، به‌علت این خطا، کشته خواهد شد. آن سرباز هم برای پیشگیری، شبانه نادرشاه را به قتل رساند و در نتیجه، کل آن اردوی نظامی متلاشی شد، آشوب همه جای ایران را فرا گرفت و ایران بسیار تضعیف شد. در این واقعه، یک قاچ خریزه باعث ایجاد تأثیرات بسیار گسترده در این منطقه و برهم خوردن محیط امنیتی ایران شد.

که گفته شد، محیط امنیتی بسیار پیچیده، متغیر و غیرقابل پیش‌بینی است و عمل در آن، از پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین، در توسعه‌ی محیط امنیتی بدون استفاده از شیوه‌های نظامی توجه به این ویژگی‌های محیط امنیتی ضروری است.

۲) بنیان‌ها و مهم‌ترین عوامل مؤثر در شناخت و کارآمدسازی عوامل جلوگیری و پرهیز از جنگ

۱-۲) توجه به سیاست دفاعی کشورها

هرچه وضعیت محیط امنیتی به بی‌نظمی گرایش داشته باشد، سیاست دفاعی خشن‌تر، پرهزینه‌تر و در نتیجه نامطمئن‌تر خواهد بود، اما این که چرا در برخی مناطق، وضعیت امنیتی دارای درجه‌ی شدت کم‌تر و در برخی مناطق بیش‌تر است، به مجموعه‌ای از عوامل داخلی و منطقه‌ای و جهانی بستگی دارد. در سطح داخلی به درجه‌ی توسعه (نوع رژیم، میزان رشد اقتصادی، توسعه‌ی سیاسی و فرهنگی و ...)، و در سطح جهانی به اهمیت منطقه برای قدرت‌های بزرگ جهانی و میزان اثرگذاری آنها می‌توان اشاره کرد. (کرمی، ۱۳۸۰: ۴۷) طبعاً پرداختن به تأثیر محیط امنیتی بر سیاست دفاعی به مفهوم نادیده گرفتن واقعیت تعامل بازیگر (دولت) و ساختار (محیط) نیست، بلکه امروزه تعامل ساختار و کارگزار یک مفهوم پذیرفته شده در نظریه‌های اجتماعی است؛ بنابراین، توسعه و گسترش محیط امنیتی در مناطقی که کشورها دارای سیاست دفاعی تهاجمی هستند، کم‌تر موفقیت‌آمیز خواهد بود.

۲-۲) توجه به عوامل داخلی و منطقه‌ای و جهانی

سیاست دفاعی هر دولت در پاسخ به تهدیدات نظامی برخاسته از محیط امنیتی آن شکل می‌گیرد. نوع و چگونگی این سیاست از جهت حدت و شدت به وضعیت تهدیدات و میزان بالفعل یا بالقوه بودن و وسعت آنها بستگی کامل دارد. بدین صورت که اگر یک محیط غیرامنیتی شده و اجتماعی‌تر باشد و مبادلات، همگرایی و تعاملات افزون‌تر باشد و برای حل و فصل مسائل و مشکلات احتمالی، مکانیسم‌ها، ترتیبات، قواعد و راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز نهادینه شده وجود داشته باشد، کشورها به سمت سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روی آورده و همکاری جای رقابت و منازعه را می‌گیرد و این باعث توسعه و گسترش محیط

امنیتی خواهد شد. البته محیط یک کشور هرچه امنیتی‌تر باشد و ترتیبات، نهادها و ساز و کارهای لازم برای حل و فصل مشکلات وجود نداشته باشد، سیاست دفاعی آن کشور دارای صبغه‌ای خودیاری‌تر^۱، نظامی‌تر و هجومی‌تر خواهد بود. در واقع، اگر سیاست‌های دفاعی را فازی قرار دهیم که یک سر آن غیرتحریک‌آمیز و سر دیگر آن تهاجمی‌تر و تحریک‌کننده‌تر باشد، قرار گرفتن در هر نقطه‌ای از این طیف، توسعه و گسترش محیط امنیتی بستگی تام به وضعیت قرار گرفتن در این طیف دارد. (کرمی، ۱۳۸۴: ۳۰)

۲-۳) توجه به وضعیت محیط امنیتی منطقه‌ای

محیط امنیتی بسته به قدرت کشور و گستره‌ی نفوذ آن در جهان خارج متفاوت خواهد بود. به‌طور مثال، چنانچه قدرت و نفوذ یک کشور اندک باشد، محیط امنیتی آن نیز محدود خواهد بود. به‌طور معمول، یک قدرت بزرگ جهانی ممکن است در سراسر جهان دارای منافع باشد، اما حتی آن قدرت نیز مجبور است منافع جهانی خود را درجه‌بندی کند، تا سیاست نظامی لازم را برای هر منطقه به‌طور خاص پیگیری کند. یک قدرت منطقه‌ای مجبور است تنها در منطقه‌ی خود ایفای نقش کند، حتی در درون آن منطقه نیز سلسله‌مراتبی از اولویت‌های منافع خود را تعیین نماید. شکی نیست که تحولات فناورانه و اختراع جنگ‌افزارهای دور برد همانند موشک‌های بالستیک و هواپیماهای تهاجمی دور پرواز موجب شده قابلیت نظامی دولت‌ها برای تهاجم به ورای مرزهای ملی افزایش یابد و دایره‌ی تهدیدات آنها نیز از مرزهای ملی و منطقه‌ای فراتر رود. بنابراین، گسترش محیط امنیتی، در یک چنین فضایی تقریباً غیرممکن می‌نماید، مگر این‌که مدیریت محیط‌های امنیتی بومی محور و بدون مداخله‌ی قدرت‌ها انجام شود. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۵)

۲-۴) نگاه سیاست دفاعی دولت‌ها به محیط امنیتی

از آن‌جا که هدف از اتخاذ سیاست دفاعی، ایجاد توانایی برای دفاع از امنیت ملی در برابر تهدیدات نظامی است، این تهدیدات به‌طور عمده در چارچوب یک ساختار محیطی و

1 - Self-Help

منطقه‌ای شکل می‌گیرند. معمولاً چنین ساختاری، دارای عواملی است که عبارتند از روابط قدرت میان دولت‌ها، وابستگی متقابل رقابت‌ها و منافع دول منطقه، الگوهای دوستی و دشمنی و تأثیر جغرافیا بر روابط بین دولت‌ها. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۵) در این جا، عوامل قدرت، رقابت و الگوهای دوستی و دشمنی اهمیت زیادی در توسعه و گسترش محیط امنیتی دارند. یک دولت باید حتی‌الامکان درصدد ایجاد منافع مشترک با دیگر دولت‌های منطقه باشد تا رقابت‌ها محدود شود و در صورت بروز رقابت، منافع مشترک بتواند از بروز بحران جنگ جلوگیری نماید و زمینه‌های گسترش محیط امنیتی را بدون درگیر شدن در مجادله‌های نظامی افزایش دهد. (کریمی، ۱۳۸۸: ۳۲)

۲-۵) توجه به وضعیت امنیتی محیط خارجی کشورها

تهدیدات، اتحادهای منطقه‌ای و جهانی و ترتیبات بین‌المللی، و کسب فناوری‌های نظامی از محیط خارجی تأثیر می‌گیرد و امنیت ملی یک کشور را متأثر می‌سازد. ساختار دفاعی هر دولت ناچار به شناسایی این مسائل است تا سیاست دفاعی و امنیتی مناسب را در اشکال خود اتکا^۱، اتحاد نظامی امنیتی^۲، (اتحادهای دوجانبه یا چندجانبه)، نظام امنیت جمعی^۳ و یا رژیم امنیتی یا جامعه‌ی امنیتی^۴ برای نیل به اهداف توسعه و گسترش محیط امنیتی ایجاد کند. البته دولت‌ها ممکن است به یک یا دو شکل از راه‌کارهای بالا متوسل شوند. آنچه مسلم است، به همان میزان که شکل اول به اراده‌ی دولت‌ها بستگی دارد، اشکال دیگر کم‌تر تابع اراده‌ی کوتاه‌مدت آنها و ناشی از یک روند جمعی طولانی‌تر خواهد بود. در فقدان یک سیستم امنیتی منطقه‌ای (در اشکال گوناگون ترتیبات امنیتی یا رژیم امنیتی)، دولت‌ها ناچار به تجهیز نیرو برای امر دفاع خود هستند، جدول زیر این وضعیت را نشان داده است:

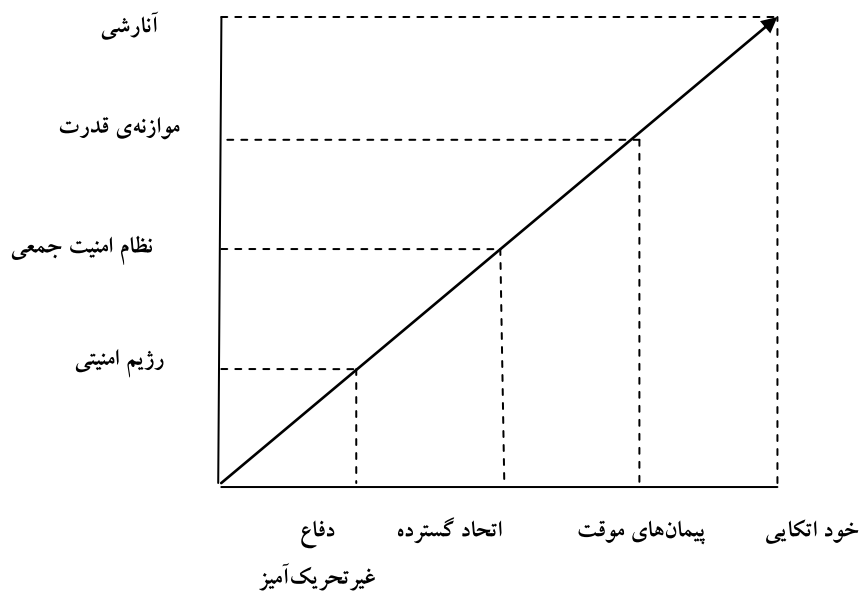
-
- 1 - Self-Help
 - 2 - Alliance
 - 3 - Collective Regime or Society
 - 4 - Security Regimo or Society

جدول شماره ۱ - الگوی سیاست دفاعی بر اساس اشکال مختلف مجموعه‌ی امنیت

سیاست دفاعی کشورها	شکال مختلف یک مجموعه‌ی امنیت (محیط امنیتی منطقه‌ای)
سیاست دفاعی خود اتکا	وضعیت معضل امنیتی
سیاست دفاعی متکی به پیمان‌های نظامی ناپایدار و محدود	وضعیت رقابت و موازنه‌ی منطقه‌ای قدرت
سیاست دفاعی متکی به پیمان‌های نظامی پایدار و فراگیر	وضعیت ترتیبات امنیتی منطقه‌ای (نظام امنیت جمعی)
سیاست دفاعی همکاری‌کننده و غیر تحریک‌آمیز	وضعیت رژیم امنیتی

این وضعیت‌ها و تعامل آنها با سیاست دفاعی را می‌توان در شکل زیر نشان داد:

نمودار شماره ۱- تعامل اشکال مختلف مجموعه‌ی امنیت با سیاست دفاعی کشورها



۳) روندها و گام‌های مؤثر در توسعه یا کنترل سطح نفوذ آثار مزبور در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

برخی از قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای که به مبانی قدرت ایران و فرصت‌های استثنایی فراوری این کشور واقف‌اند، می‌کوشند با ایجاد تغییراتی در محیط امنیتی ایران، امکان بهره‌برداری ایران را کاهش دهند و تهدیدات بیش‌تری را برای این کشور ایجاد کنند. (Kam, 2011)

این مسأله در طول حداقل دو دهه‌ی گذشته، در دستور کار قدرت‌های بزرگ و برخی از قدرت‌ها و کشورهای منطقه‌ای قرار داشته است. فهرست این اقدامات که بسیار متنوع و گسترده است، می‌تواند به واضح شدن بحث کمک شایانی کند. این اقدامات در مهندسی مجدد منطقه طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. برخی از اشکال این طیف گسترده (ولی هم‌جهت) عبارتند از:

(۱) حمله‌ی نظامی به جمهوری اسلامی ایران، (۲) اشغال کشورهای عراق و افغانستان، (۳) انباشت نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، (۴) ایجاد پیمان‌ها و قراردادهای نظامی با برخی از کشورهای منطقه، (۵) حفظ فشار بر ایران، (۶) اجازه ندادن برای بهره‌گیری از موقعیت ترانزیتی ایران، (۷) عدم اجازه به عبور خطوط لوله‌ی نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز از ایران، (۸) عدم ورود ایران به طرح‌های تأمین انرژی اروپا و خطوط لوله همانند نوباکو، (۹) دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی و به‌ویژه اختلافات شیعه و سنی، (۱۰) عدم حل مسأله‌ی مواد مخدر، (۱۱) تهدید نظامی ایران و تلاش برای امنیتی کردن مسأله‌ی ایران، (۱۲) عدم اجازه برای حل شدن مسأله‌ی هسته‌ای ایران و حفظ آن در سطحی امنیتی و بحرانی،^۱ (۱۳) تحریم ایران، با صدور قطعنامه‌های شورای امنیت و آژانس انرژی هسته‌ای، (۱۴) تضعیف و فشار بر متحدان و دوستان ایران (عراق، سوریه، سودان و ...)، (۱۵) تضعیف موقعیت شیعیان در عراق و تقویت موقعیت‌های سایر مخالفان جمهوری اسلامی ایران، (۱۶) ممانعت از ایفای نقشی تعیین‌کننده توسط ایران در عرصه‌ی انرژی و حل بحران‌های منطقه‌ای مثل سوریه، (۱۷) تقویت جریان‌های وهابی در منطقه، (۱۸) تقویت جریان‌های جدایی‌طلبانه در مناطق مرزی ایران، (۱۹) هجوم از طریق جنگ نرم و ایجاد پوشش رسانه‌ای در سطحی گسترده در منطقه و صحنه‌ی بین‌المللی و حفظ و حمایت از قدرت‌های غیر مردمی.^۲ (Richard N. Haass, 2012)

^۱ - برای مثال، رئیس شورای سیاست خارجی آمریکا می‌نویسد: مسأله‌ی هسته‌ای ایران مهم‌ترین مسأله‌ی جهانی در سال ۲۰۱۲ خواهد بود. رک:

Richard N. Haass, President, Council on Foreign Relations, Answering Iran: January 26, 2012, <http://www.cfr.org/iran/answering-iran/p27197>

^۲ - در سال‌های اخیر، حفظ و افزایش فشار بر ایران محور اصلی درخواست صهیونیست‌ها از آمریکا و محور اصلی مذاکرات مقامات رژیم صهیونیستی و آمریکاست. طرح حمله‌ی نظامی به ایران حربه‌ای است که صهیونیست‌ها با طرح آن، همه‌ی فشارهای دیگر به ایران را توجیه و اجرایی می‌کنند.

این فهرست مفصل و متنوع بخشی از برنامه‌ی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در مهندسی محیط امنیتی ایران محسوب می‌شود. با این تفسیر، محیط امنیتی ایران استثنایی‌ترین محیط امنیتی (هم از بعد فرصت هم از بعد تهدید) در بین تمام کشورهای دنیا در کل تاریخ کشور است. دست کم در چهارصد سال گذشته، فرصت منطقه‌ای و بین‌المللی که اکنون فراوری ایران است، بی‌نظیر است. هم‌چنین این واقعیت غیرقابل انکار که تنها ابرقدرت موجود و رژیم صهیونیستی یکی از اهداف اصلی خود را مقابله با (و حتی نابودی) ایران قرار داده، تهدید و خطر را فوری و بی‌نظیر ساخته است. این محیط امنیتی استثنایی را باید سیستم سیستم‌ها بنامیم؛ همه‌ی این سیستم‌های پیچیده در تعامل با یکدیگر قرار گرفته‌اند.

ایران در چنین شرایطی و در چنین محیط امنیتی به دلایلی فاقد متحد و هم‌بیمان راهبردی است و هنوز دکترین امنیت ملی و راهبرد امنیتی خود را به‌طور کامل مدون نکرده است (یا دست کم، منتشر نکرده است). البته ایران با تکیه بر مؤلفه‌های قدرت ملی، فرهنگ دفاعی و ذخایر به‌جا مانده از هزار و چهارصد سال فرهنگ عاشورایی و رهبری حضرت امام خمینی^(ره) و امواج انقلاب اسلامی و فرهنگ دفاعی و مؤلفه‌های قدرت ملی و نیز با هدایت رهبری آگاه، نه تنها موفق به دفع تهدیدات شده، بلکه در یکی از استثنایی‌ترین موقعیت‌های خود از لحاظ جایگاه و قدرت منطقه‌ای و جهانی، در وضعیتی رو به رشد قرار گرفته است که علی‌رغم تمام این مشکلاتی که غرب به رهبری آمریکا بر سر راه توسعه و گسترش محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده، ایران در این زمینه بسیار موفق بوده است. (امینان، ۱۳۹۰: ۱۲)

یکی دیگر از مسائلی که در محیط امنیتی ایران بسیار مؤثر است و شاید نقش و تأثیر تعیین‌کننده‌ی آن را در توسعه‌ی محیط امنیتی ایران بهتر از سایر محیط‌ها بتوان دید، نقش و تأثیر تصویرسازی یا مسأله‌ای است که به جنگ نرم معروف شده است. دشمنان و رقبای ایران با تمرکز و شدت بسیار زیاد، تمام قدرت خود را در تصویرسازی و ساختن تصویر دیگران به‌کار گرفته‌اند. حرفه‌ای‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات تبلیغاتی و روانی علیه جریان مقاومت و پیش از همه علیه جمهوری اسلامی ایران در جریان است تا زمینه‌های مستحکمی برای سد نمودن توسعه و نفوذ جمهوری اسلامی ایران را به‌وجود آورند.

ابزار بسیار قدرتمند و مؤثر رسانه‌ای و تبلیغاتی چنان هنرمندانه به‌کار گرفته شده که موفق شده‌اند تصویری سیاه و غیرواقعی از ایران و مسلمانان هم‌سو با ایران در افکار عمومی غرب ایجاد کنند. در سایه‌ی همین تصویرسازی، سیاست‌های ضدایرانی و فشار بی‌سابقه بر ایران در منطقه، اروپا و آمریکا، با هدایت صهیونیست‌ها پیش می‌رود. امروزه این عامل غیرفیزیکی نقشی بسیار تعیین‌کننده در محیط امنیتی ایران دارد. تحت تأثیر همین عامل، تهدیدات زیادی علیه ایران طراحی شده و کشورهای زیادی صف کشیده‌اند. (www.foreignaffairs.com) البته در این مورد نیز در بسیاری از موارد، افکار عمومی پس از برخورد با واقعیت‌های موجود و اجبار در پرداخت هزینه به دلیل این تصویر غیرواقعی خود را تعدیل می‌کنند.

۴) عمده چالش‌های موجود در توسعه‌ی محیط امنیتی بدون جنگ

جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی خود همواره با چالش‌ها و مشکلاتی متعدد و مداوم روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی باز تولید شده است، به‌گونه‌ای که این کشور هنوز نتوانسته است در هیچ‌کدام از این حوزه‌ها شاهد شکل‌گیری چارچوب امنیتی پایدار و با ثباتی مورد توافق باشد.

در گذشته چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد، به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی‌مدت نظامی را در بر می‌گرفت. اکنون نیز این مسأله در قالب‌ها و مؤلفه‌های مختلفی تجلی یافته است.

مهم‌ترین این چالش‌ها و بحران‌ها عبارتند از تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی چند بُعدی و تنگاتنگ دارند. در این میان، به‌نظر می‌رسد دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار، چالشی

اساسی تر باشد که باعث تحریک دو مؤلفه‌ی دیگر یعنی اشاعه‌ی تروریسم و افراط‌گرایی و نیز گسترش نفوذ و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به وجود آورده است.

دولت‌های ضعیف و شکننده در عراق، افغانستان، سوریه و پاکستان باعث گسترش تروریسم و افراط‌گرایی می‌شود و علاوه بر این زمینه‌ی تداوم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای را نیز فراهم می‌سازد. در کشورهای عربی حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس نیز بحران اقتدار و ضعف دولت‌ها زمینه‌ای را برای همکاری نامتقارن با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و افزایش مداخلات قدرت‌های خارجی فراهم ساخته است.

این مسائل با توجه به ساخت قومی و اجتماعی منطقه و تجارب خاص دولت - ملت‌سازی باعث پیچیدگی شرایط امنیتی می‌شود. اختلافات قومی، وجود دولت‌های اقتدارگرا، بحران مشروعیت، عدم وجود دموکراسی و نهادهای مدنی به همراه اقتصاد ضعیف در برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از جمله عوامل دیگری است که موجب بروز بی‌ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه در طول سال‌های اخیر افزایش یافته و این امر نظم و ثبات سیاسی - اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. وهابیت و سلفی‌گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی منبع عمده‌ی گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی بوده و این ایدئولوژی به واسطه‌ی آشفتگی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذی‌نفع، فضای گسترده‌تری برای انتشار و تأثیرگذاری پیدا کرده است.

تروریسم افراط‌گرایی در عراق، هرچند به واسطه‌ی عوامل مختلف داخلی و منطقه‌ای تقویت شده، اما اکنون خود به منبع عمده‌ی بی‌ثباتی و ناامنی تبدیل شده است. در افغانستان و پاکستان نیز افراط‌گرایی و تروریسم هم‌چنان به واسطه‌ی عوامل سیاسی - اجتماعی و مؤلفه‌های بیرونی ادامه‌ی حیات می‌دهد و ثبات و امنیت منطقه‌ای را به شدت متأثر می‌سازد.

حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه به دلیل عواملی چون نفت و موقعیت ژئوپلیتیک منطقه، همواره از عناصر ساختار امنیتی منطقه‌ای محسوب شده است؛ اما در سال‌های اخیر و به ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر، مداخلات فرامنطقه‌ای افزایش قابل ملاحظه‌ای را

نشان می‌دهد. آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر، رویکرد امنیت هژمونیک در خاورمیانه را مطرح کرد و بر این اساس، با افزایش حضور نظامی خود به براندازی رژیم‌های طالبان و صدام در افغانستان و عراق مبادرت ورزید.

در این راستا، واشنگتن سعی دارد تا با جدا کردن صف متحدین و دولت‌های مخالف، تحت فشار قرار دادن دولت‌های غیرهمکار و کسب حداکثر همکاری از کشورهای متحد امنیت هژمونیک را به‌عنوان ساختار امنیتی اصلی در منطقه در اولویت قرار دهد. مبارزه با تروریسم نیز از ابتدا به‌عنوان یکی از اهداف اصلی آمریکا در گسترش حضور خود در منطقه و تقویت الگوی امنیت هژمونیک عنوان شد.

حضور گسترده‌تر آمریکا در منطقه و اشغال افغانستان و عراق همراه با عکس‌العمل‌های منطقه‌ای، زمینه را برای گسترش افراط‌گرایی و تروریسم مهیا ساخت و اقدامات و راهبرد معطوف به مبارزه با تروریسم در چارچوب امنیت هژمونیک در عرصه‌ی عمل، به گسترش تروریسم منجر شد.

رشد و تقویت گروه‌های تروریستی، در نتیجه‌ی خلأ قدرت در عراق، امنیت را به‌صورت مسأله‌ای جدی و دارای قابلیت تهدیدآفرینی متصور می‌سازد. با توجه به بافت موزائیکی قومی و فرهنگی - مذهبی در خاورمیانه، ضعف دولت مرکزی بدون ساختارهای لازم می‌تواند امنیت و ثبات منطقه‌ای را با تهدیداتی روبه‌رو کند. تأثیر دیگر ناشی از حضور قدرت‌های فرمانطقه‌ای در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرگذاری بر نظم طبیعی و همکاری‌های قابل توافق میان کشورهای منطقه است.

(۵) نشانه‌ها و شاخص‌های ارزیابی سیاست‌گذاران در توسعه‌ی محیط امنیتی

ارزیابی نقطه‌نظرها و روشن‌سازی فرضیات و استنتاجاتی هم‌چون تحلیل بحث‌های امنیتی و بررسی تأثیرات جهت‌گیری و تله‌ها، وقتی که برای دیگر بازیگران و خود به‌کار گرفته می‌شوند، مسائلی را که در محیط داخلی و خارجی اهمیت دارند، روشن می‌سازند. به‌وسیله‌ی طرح آن، فرآیند فکری نقادانه با جدیت حقایق را دنبال می‌کند، بررسی‌های نامعلوم و نقش‌شناس را در هم می‌شکند

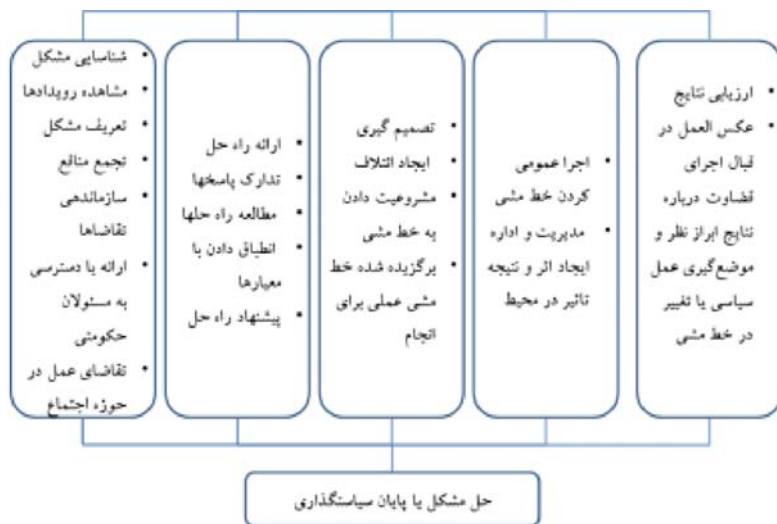
و مشخص می‌کند که محیط امنیتی از سامانه‌های انسانی و فیزیکی تشکیل شده است. این هم یک طرز تفکر است که کاربرد زیادی در روند فرآیند ارزیابی امنیتی دارد.

ارزیابی امنیتی برای نظم بخشیدن به فرآیند فکری خبرگان امنیت ملی و تعیین نتایج آن به کار می‌رود و همانند همه‌ی نظریه‌ها، آموزش می‌دهد، اما تحمیل نمی‌کند؛ زیرا این فکر انسان است که باید انتخاب کند. در عین حال، از طریق آموزش، چارچوب ارزیابی امنیتی، منجر به ارزیابی‌های بالقوه‌ی مناسب‌تر و بررسی دقیق‌تر منافع و عوامل بررسی شده می‌گردد. از طریق تدوین، بازنگری اساسی و درک مشترک چگونگی عملکرد امنیتی را امکان‌پذیر می‌سازد. چارچوب وسیله‌ی مناسبی است، اما داشتن یک جهان‌بینی سالم برای حفظ چشم‌اندازهای مناسب در مورد اعتبار یک راهبرد امنیتی ضروری به نظر می‌رسد و نیز تشخیص زمان اصلاح راهبرد امنیتی یا ایجاد راهبرد جدید بسیار با اهمیت می‌باشد. نظریه می‌تواند فعالیت دیدگاه امنیتی و تنظیم راهبرد امنیتی را توسط ارائه‌ی یک چارچوب برای شناسایی و بررسی عوامل مربوط یاری کند، اما انتخاب سیاست‌گذار یا راهبردپرداز در خصوص این که چه کاری را انجام دهد و آن را چگونه به انجام رساند و نیز منابع در دسترس، بستگی به ذهن خلاق او دارد.

سنجش مدیران برای سیاست‌گذاری امنیتی، تشخیص معضل امنیتی و چگونگی راهیابی آن به دستگاه سیاست‌گذاری کشور است. در حقیقت، مراحل بعدی این رهیافت به‌نوعی در رهیافت قبلی نیز مورد اشاره قرار گرفته است و آنچه به‌طور ریشه‌ای این رهیافت را از مدل راهبرد امنیتی متمایز می‌کند، تأکید بر مسائل و معضلات به‌جای تأکید بر ارزش‌ها و اهداف است؛ بنابراین، باید به جوانب گوناگون معضلات و مشکلات پرداخته شود.

مسائل، معضلات، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای امنیتی، همگی در طیفی قرار می‌گیرند که باید از سوی سیاست‌گذاران امنیتی مورد توجه قرار گیرند. هر اندازه از یک طرف طیف (مسائل امنیتی) به سمت دیگر طیف (تهدیدهای امنیتی) حرکت می‌کنیم، اتخاذ سیاست‌های امنیتی، از نظر اهمیت، از فوریت بیش‌تری برخوردار می‌شوند. به‌عبارتی، اگر سیاست‌گذاران امنیتی در حل مسائل و معضلات امنیتی، وقت بیش‌تری داشته باشند، نه تنها در مواجهه با تهدیدهای امنیتی فرصت کم‌تری دارند، بلکه

باید برای حل آنها، جدیت بیشتری را نیز از خود نشان دهند. البته، ابزارها و شیوه‌های به‌کارگیری در حل آنها نیز متفاوت است، به‌گونه‌ای که هر اندازه به پایان طیف (تهدیدهای امنیتی) نزدیک می‌شویم، استفاده از راه‌حل‌ها و ابزارهای نظامی نیز بیشتر می‌شود. افزون بر آن، جنبه‌ی پیشگیرانه‌ی سیاست‌ها در آغاز طیف نسبت به جنبه‌ی درمان در پایان طیف نمایان‌تر است. (بایسته‌های راهبرد امنیت ملی در قرن بیست و یکم)



مسأله‌ی مهم دیگر در تشخیص نقطه‌ی آغاز این نوع از ارزیابی امنیتی، عرصه‌شناختی است که سیاست‌گذاران امنیتی با آن سر و کار دارند؛ زیرا از خلال این عرصه است که آنها، محیط پیرامون خویش را که متغیر، پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی است، درک می‌کنند و بر اساس آن تصمیم می‌گیرند. علاوه بر این، از آنجا که عرصه‌ی شناخت و جنبه‌های معرفتی ارزیابی امنیتی بسیار پر رمز و راز است، سیاست‌گذاران امنیتی باید به ساده‌سازی و کاربردی کردن مفاهیم در این عرصه بپردازند، هرچند ممکن است این اقدام خطرهایی را نیز به دنبال داشته باشد. تعمیم تفسیرها و برداشت‌های مشخصی به آنچه منبع تهدید تصور می‌شود، از جمله خطرهایی است که ارزیابی امنیتی را با مشکل روبه‌رو می‌کند و ممکن است به اتخاذ سیاست‌های امنیتی ناکارآمد منجر شود؛ بنابراین، سیاست‌گذاران امنیتی در این زمینه باید دقت و وسواس بیشتری خرج کنند. برآورد صحیح اطلاعات راهبردی از مسائل و

تهدیدهای امنیتی از جمله ابزارهای مهم ارزیابی است که سیاست‌گذاران امنیتی برای بهبود شناخت خود از آن بهره می‌گیرند. استفاده از این ابزار زمانی امکان‌پذیر است که آنها با قرار دادن صافی‌هایی برخی از اطلاعات را جذب و برخی دیگر را طرد کنند، به نحوی که احتمال خطا و اشتباه در پایین‌ترین حد خود قرار گیرد. (بایسته‌های راهبرد امنیت ملی در قرن بیست و یکم)

چگونگی فرآیند ارائه راه‌حل‌های ارزیابی و انتخاب بهترین، کم‌هزینه‌ترین و پر فایده‌ترین آنها، به چگونگی ساختار اجتماعی جامعه، تمرکز یا عدم تمرکز قدرت در نظام سیاسی و شکاف یا عدم شکاف بین دولت و ملت بستگی دارد. برای نمونه، در نظام‌های پلورالیستی و غیرمتمرکز، امکان مشارکت مردم و گروه‌های اجتماعی در ارائه‌ی راه‌حل، ارزیابی و انتخاب بهترین آنها بیش‌تر است.

انفعالی عمل کردن، کوتاه‌نگری و برخورداری از فرصت کوتاه برای اتخاذ سیاست ارزیابی، از معایب و واقع‌نگری و ثمره و نتایج سیاست ارزیابی را مشاهده کردن، از محاسن سیاست‌گذاری امنیتی بر اساس این رهیافت است.

جهانی شدن و پیامدهای آن بر این رهیافت از ارزیابی امنیتی نیز به شکل‌های مختلف تأثیر گذاشته است. تحول در مرجع امنیت و تفکیک بین امنیت مردم و امنیت دولت باعث شده تا دولت مدرن نسبت به گذشته با طیف بسیار وسیع‌تری از مسائل و معضلات امنیتی روبه‌رو شوند. افزون بر آن، کاهش اقتدار دولت‌ها و نیز افول مشروعیت استفاده‌ی بی‌رویه از ابزارهای نظامی به لزوم استفاده از ابزارها و شیوه‌های ارزیابی منجر شده است که دولت‌ها در گذشته، برای حل مسائل امنیتی خویش کم‌تر به آنها اعتنا می‌کردند. برای نمونه، با ایجاد ارتباط بین گروه‌ها و جمعیت‌های فراملی با نهادهای فراملی، دولت‌ها نمی‌توانند تا به راحتی مخالفان داخلی خویش را تهدیدات امنیتی بدانند و با آنها برخورد حذفی کنند. (بایسته‌های راهبرد امنیت ملی در قرن بیست و یکم)

۶) سیاست‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای توسعه‌ی محیط امنیتی

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد امنیتی ایران در منطقه در اتحاد و هم‌گرایی با غرب و به‌ویژه آمریکا تعریف می‌شد و ایران در چارچوب فضای جنگ سرد و راهبرد آمریکا در

خاورمیانه به‌همراه عربستان سعودی به‌عنوان دو ستون امنیتی این کشور در منطقه محسوب می‌شدند. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب در جهت اتخاذ سیاست امنیتی مستقل حرکت کرده و سعی کرد تا خود را خارج از راهبردها و رویکردهای دو قدرت جهانی تعریف کند. در این راستا، همکاری و مشارکت با بازیگران منطقه‌ای در جهت شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی منطقه‌ای در اولویت قرار گرفت.

رویکرد ایران در محیط پیرامونی خود براساس الگوی امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت قرار دارد. در این رویکرد، مشارکت جدی تمامی کشورهای منطقه در سازماندهی ساختار امنیتی منطقه‌ای و همکاری مؤثر در این خصوص در اولویت قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، حضور مداوم قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ترتیبات امنیت منطقه‌ای نفی و این حضور عامل عمده‌ای در جهت افزایش تعارضات و تنش‌ها در سطح منطقه تلقی می‌شود. (مینایی، ۱۳۸۸: ۱۵)

بر این اساس، الگوی امنیت هژمونیک که به‌ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر با حضور فزاینده‌ی آمریکا در منطقه و تلاش آن کشور برای ایجاد پیوندهای نظامی چند بعدی با متحدین خود با توجه به ناکارآمدی آن عملاً مورد مخالفت قرار گرفت و در نتیجه گسترش تعارضات، تروریسم و افراط‌گرایی طی چند سال اخیر در منطقه، اعتبار خود را به‌عنوان رویکردی پایدار و نتیجه‌بخش از دست داد.

رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحولات و تجارب سال‌های اخیر در منطقه دارای مؤلفه‌ها و عناصری است که در صورت توجه و اهتمام منطقه‌ای می‌تواند به شکل‌گیری نظامی امنیتی و پایدار منجر شود. اولین مؤلفه‌ی این رویکرد کاهش حضور نظامی قدرت‌های منطقه‌ای است که باعث تشدید افراط‌گرایی و تروریسم و تخریب همکاری و روابط طبیعی کشورهای منطقه شده است.

دومین مؤلفه‌ی همکاری و مشارکت بازیگران منطقه‌ای در ساختار امنیتی، به‌ویژه هم‌فکری و هم‌کاری کشورهای بزرگ‌تر مانند ایران، ترکیه و عربستان سعودی در حل و فصل چالش‌های مشترک نظیر تروریسم و مدیریت الگوهای تعاملاتی گروه‌های قومی - مذهبی فراملی با واحدهای ملی است. در این راستا، مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم باید با

سیاست‌های مکمل دیگری همراه باشد که از یک‌سو بتواند قدرت کنترل و مدیریت دولت‌های مرکزی را حفظ کند و از سوی دیگر، با تعریف ساز و کارهایی برای مشارکت و فعالیت گروه‌های فروملی از رادیکال شدن گرایش‌های قومی - مذهبی جلوگیری کند.

۷) توسعه‌ی محیط امنیتی و موفقیت جمهوری اسلامی ایران در تثبیت و نهادینه‌سازی این موضوع

محیط امنیتی خارجی برای هر کشور از دو بخش منطقه‌ای و جهانی تشکیل شده است. هر کشور در محیط جغرافیایی - منطقه‌ای واقع شده است که ملزومات آن محیط بر رفتار آن کشور مؤثر است. معمولاً کشورها در محدوده‌ی منطقه‌ای خود بیش‌ترین فعالیت را دارند و بیش‌ترین تأثیر را از همین محیط می‌پذیرند. پس محیط بلافصل جغرافیایی برای هر کشور با عنوان محیط منطقه‌ای از اولین ملاحظات تعیین‌کننده محسوب می‌شود. هم‌چنین هر کشور و کل محیط منطقه‌ای بخشی از محیط وسیع‌تر نظام بین‌المللی هستند. مقتضیات نظام بین‌المللی، بر رفتار کشورها احاطه و تأثیر زیادی بر آنها می‌گذارد. میزان تأثیر و اولویت اهمیت هر کدام از این محیط‌های بین‌المللی و یا منطقه‌ای، به‌نوع ساختار نظام بین‌المللی دوقطبی، حتی ملاحظات منطقه‌ای نیز کاملاً تحت تأثیر مقتضیات بین‌المللی بوده و مسائل منطقه‌ای همانند قدرت منطقه‌ای و مسائل محیط منطقه‌ای در پرتو مسائل کل ساختار نظام بین‌المللی و ملاحظات در قدرت قابل فهم و تحلیل است. در ساختار نظام بین‌المللی کنونی، مسائل و اولویت‌های منطقه‌ای از اهمیت بسیار بیش‌تری برخوردار شده و خود را بر نظام بین‌المللی تحمیل کرده است. (Buzen and Woever, 2003; Frazare, 2010: 1-23)

در مورد جمهوری اسلامی ایران، محیط‌ها و عناصر منطقه‌ای از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. عوامل و اولویت‌های منطقه‌ای به‌شکلی روزافزون قدرت خود را به‌نمایش می‌گذارند و این مسأله باعث شده است که ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، قدرت بازیگری و تأثیرگذاری بیش‌تری داشته باشد. تحولات نظام بین‌الملل و هم‌چنین تحولات پی‌درپی منطقه‌ای باعث شده است که مفهوم مطالعات منطقه‌ای اهمیت فزاینده‌ای پیدا کند.

(غریاق زندی، ۱۳۸۷)

محیط امنیتی هر کشور با توجه به این عناصر و ویژگی‌ها بر تمام رفتارها، نقش‌ها و سیاست‌های خارجی آن اثری تعیین‌کننده دارد و باید مورد توجه قرار گیرد. محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارای پیچیدگی‌ها و تنوع بسیار بیش‌تری است. از لحاظ جغرافیایی، محیط امنیتی ایران مشتمل بر چندین محیط جغرافیایی است: پنج نظام منطقه‌ای مجاور (رضایی، ۱۳۸۴) (خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و آسیای جنوبی) و هم‌چنین نظام‌های غیرمجاور (در درجه‌ی نخست، آفریقای شمالی، بالکان و هم‌چنین مناطق دیگر). تحولات در هر یک از این مناطق تأثیری مستقیم بر جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت و فرصت‌ها و تهدیدات ایران در همین مناطق تعریف می‌شود. نکته‌ی مهم در مورد مناطق جغرافیایی موجود در محیط امنیتی ایران جمهوری اسلامی این است که ساختار قدرت در این مناطق در حال شکل‌گیری نهایی است و این مناطق و هم‌چنین نظام بین‌المللی همگی در حال گذارند. به‌همین علت، همه‌ی بازیگران دریافته‌اند که امنیت، حیات و نقش آنها در این نظام در حال شکل‌گیری، به فعالیت‌های‌شان بستگی دارد. این مسأله بر پیچیدگی‌های این منطقه و فشار کشورها می‌افزاید.

در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر پانزده کشور همسایه، تنها ابرقدرت و همه‌ی قدرت‌های بزرگ نیز به نوعی در حال ایفای نقشی تعیین‌کننده هستند. هم‌چنین ناتو که ترتیباتی و رای ترتیبات امنیتی و هم‌چنین جامعه‌ای هویتی برای تصدیق ارزش‌های اخلاقی مشترک است و به‌عنوان استثنایی‌ترین اتحاد در تاریخ بشریت نقش قدرتمندترین ائتلاف را دارد، به‌صورتی فزاینده در حال ایفای نقش در این محیط است. (احدی، ۱۳۸۶)

در شکل‌دهی به تهدیدات و فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در این محیط، دو مؤلفه‌ی اساسی پیوسته با یکدیگر نقش ایفا می‌کنند که هر دو سرشتی هویتی دارند. مهم‌ترین مؤلفه‌ی تعیین‌کننده‌ی تهدیدات جمهوری اسلامی ایران مسأله‌ی تضاد هویتی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی و هم‌چنین آمریکا و اتحادیه‌ی اروپاست که در پیوند با یکدیگر عمل می‌کنند.

مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران (که آن نیز سرشتی هویتی دارد) ارائه‌ی روایتی اصیل از اسلام سیاسی است که در بین مردم منطقه حاکم است، با

فراخواندن آنها به بازگشت به اسلام اصیل خاطره‌ی خودباوری، عزت، سرافرازی و تاریخ شکوهمند گذشته، در آنها زنده شده است. (امینان، ۱۳۹۰: ۱۰)

البته در هر دو عرصه‌ی تهدید و فرصت برای جمهوری اسلامی ایران، عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارد. در عرصه‌ی تهدیدات باید به عواملی هم‌چون حضور رقبای قدرتمندی مانند: عربستان، ترکیه و پاکستان اشاره کرد که در مواردی رقابت دائمی برخی از آنها از حد متعارف بسیار بالاتر می‌رود. وجود کشورهای ورشکسته و ضعیف، تداوم اقلیت‌ها در کشورهای دیگر، افراط‌گرایی و سلفی‌گری انحرافی، نقش فزاینده‌ی بازیگران غیردولتی، مواد مخدر و... همگی تهدیداتی برای جمهوری اسلامی ایران و کل منطقه ایجاد می‌کنند که پیچیدگی منطقه را افزایش می‌دهد و به‌ویژه مورد استفاده‌ی عناصر اصلی تهدیدکننده‌ی کشور (آمریکا و رژیم صهیونیستی) قرار می‌گیرد. (Iran: Assessing Geopolitical Dynamics and U.S. Policy Options)

در عرصه‌ی فرصت‌ها نیز تاریخ و فرهنگ غنی و کهن، موقعیت جغرافیایی، نوع رهبری امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله)، وجود ۷۵ درصد ذخایر نفت و گاز دنیا در این محیط در کنار سایر منابع موجود، مردمی توانمند و تحصیل کرده، فرهنگ دفاعی و تجربه‌ی هشت سال دفاع مقدس و... پارامترهای قدرت کشور جمهوری اسلامی ایران را معنا داده‌اند.

سی سال سرمایه‌گذاری، پشت سر گذاشتن سال‌های سخت فشار و فتوحات و موفقیت‌های ایجاد شده به تدریج محیط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را از محیط سخت، بسته و یکسره منفی علیه ایران به شرایط و محیطی مساعد تبدیل کرده که در طول دهه‌های گذشته، تمام محیط‌های جغرافیایی احاطه‌کننده‌ی جمهوری اسلامی ایران در اختیار مطلق جریان‌های ضدایرانی بود و دشمنان در غرب و شرق مرزهای ما مستقر بودند، (در غرب صدام به عنوان دیواره‌های مرزهای شرقی جهان عرب خاکریزی در سر راه ما احداث کرده بود. نظامیان سکولار در ترکیه سدی دیگر بودند؛ در ابتدا کمونیست‌ها دیواری سرخ و سپس طالبان دیوارسیاهی در شرق کشور ما کشیده بودند که هیچ روزنه‌ی عبوری برای ما نگذاشته بود. در خلیج فارس و دریای عمان نیز متحدان صدام با شورای همکاری، فضایی سخت و محیط امنیتی مملو از تهدید و فشار برای ما ایجاد کرده بودند)؛ امروز به تدریج همه‌ی این دیوارهای

غیرقابل نفوذ برداشته شده و به‌جای اغلب آنها فضایی مناسب، مساعد و مملو از فرصت برای ما ایجاد شده است. در حال حاضر، مرزهای فرصت‌های ما حتی از کشورها و مناطق هم‌مرزمان هم عبور کرده است.

نتیجه‌گیری

ایران در محیط پیرامونی خود با چالش‌های امنیتی متعددی روبه‌رو است که به‌صورت دائمی و به‌واسطه‌ی تحولات و روندهای منطقه‌ای باز تولید می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از منظر منطقه‌ای نیز در حوزه‌ای واقع شده است که هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی پایدار و توافق شده‌ای در آن وجود ندارد. به‌رغم پیشرفت نظام‌های امنیت منطقه‌ای در سراسر جهان به‌ویژه بعد از پایان جنگ سرد و در چارچوب تحولات جهانی شدن، هنوز منطقه‌ی پیرامونی ایران فاقد ترتیبات امنیتی نهادینه شده است. تروریسم، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی - مذهبی، جرایم سازمان‌یافته، دولت‌های ضعیف و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله‌ی چالش‌ها و موانع امنیتی عمده‌ای است که ایران در پیرامون خود با آنها روبه‌روست.

ایران در جهت کاهش تهدیدات امنیتی ناشی از محیط پیرامونی و به‌منظور کمک به بهبود امنیت منطقه‌ای، رویکرد امنیت‌سازی مبتنی بر همکاری و مشارکت با سایر بازیگران منطقه‌ای را در جهت حل و فصل چالش‌ها و معضلات امنیتی در پیش گرفته است. در این چارچوب، کمک به شکل‌گیری دولت‌های قدرتمند و توانمند برای مدیریت منازعات و بی‌ثباتی‌های درونی اهمیت اساسی دارد. در وهله‌ی دوم، افزایش همکاری و مشارکت بین دولت‌های منطقه و شفاف‌سازی و تبادل اطلاعات می‌تواند به بهبود امنیت منطقه منجر شود.

در این چارچوب، محدود ساختن نفوذ و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در نظام امنیتی منطقه به‌منظور کمک به ایجاد نظام امنیتی بومی در رویکرد ایران مهم تلقی می‌شود. اما این امر به‌معنای نادیده انگاشتن توانمندی‌ها و امکانات بین‌المللی در جهت ارتقای امنیت منطقه‌ای و کاهش چالش‌ها و بی‌ثباتی‌ها نیست، بلکه می‌توان از پتانسیل‌های بین‌المللی در قالب سازمان‌های بین‌المللی در جهت کاهش بی‌ثباتی‌ها و تثبیت و تقویت ساختارهای سیاسی و

اقتصادی به‌عنوان عوامل زیربنایی امنیت‌سازی بهره‌گرفت. در این خصوص، می‌توان به نقش نهادهایی چون سازمان ملل متحد و آژانس‌های وابسته به آن در جهت بهبود شرایط امنیتی در کشورهایی چون عراق، افغانستان و پاکستان و افزایش کمک‌های بشردوستانه و اقتصادی به عنوان بسترهای ایجاد امنیت توجه کرد.

منابع

فارسی

- ۲۸- احدی، افسانه (۱۳۸۶) ناتو و محیط امنیتی ایران، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۹.
- ۲۹- امینیان، بهادر (۱۳۹۰) بیداری اسلامی: تغییر در معماری سیاسی - امنیتی منطقه و جهان، ماهنامه بیداری اسلامی، خرداد.
- ۳۰- رضایی، محسن (۱۳۸۴) ایران منطقه ای، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۳۱- غرایاق زندی، داود (۱۳۸۷) محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۲- یوزان، باری (۱۳۸۷) مردم دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۳- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰) تاثیر محیط امنیتی بر سیاست دفاعی دولت‌ها، فصلنامه سیاست دفاعی شماره ۳۴.
- ۳۴- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۴) محیط امنیتی خاورمیانه و سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی شماره ۵۲، ۵۳.
- ۳۵- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۱) تحول نگرش روسیه به محیط امنیتی بین‌المللی و تاثیر آن بر روابط با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی شماره ۴۰، ۴۱.
- ۳۶- امینیان، بهادر (۱۳۹۰) محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۱۳.
- ۳۷- بایسته‌های راهبرد امنیت ملی در قرن بیست و یکم
- ۳۸- محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه ای و بین‌المللی / مینایی، مهدی، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶، ۱۳۸۸.

منابع انگلیسی

- 39- Buzan Barry and ileWoever (2003), Regions and powers: The structure of International Security, Cambridge: Cambridge University Press.

- 40- Iran: Assessing Geopolitical Dynamics and U.S. Policy Options, <http://www.cfr.org/iran/iran-assessing-geopolitical-dynamics-us-policy-options/p10882>
- 41- Kam Ephraim (2011), Iran`s Regional Statues: Expanding Influence Alongside Weaknesses.
- 42- Yarger, Harry R., (2006), Strategic Theory for The21st Century: the Little Book on Big Strategy, Carlisle: Strategic Studies Institute.
- 43- "Religion is a Growing Force in the Arab Awakening, Westerners Should Hold Their Never and Trust Democracy", The Economist, Mar.31st 2011.